

سردتعاين

گفتگو با دکتر محمدجواد ایروانی

استاد دانشگاه، وزیر اسبق امور اقتصادی و دارائی و عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام

(ویژه نامه گفتگوهای علمی، کنگره ملی اقتصاد مقاومتی، 28 و 29 بهمن ماه 1393، تهران، انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی)

پاسخ سؤال 1

اقتصاد مقاومتی یک مکتب نوین اقتصادی است که بر تبدیل منابع و ظرفیت‌های مختلف به قابلیت‌های راهبردی تأکید دارد و از این طریق در صدد تقویت ساخت درونی قدرت است به گونه‌ای که کشور با برخورداری از قابلیت‌های کلیدی مسیر پیشرفت - که در بر گیرنده توأمان رشد اقتصادی و عدالت است - را به سرعت طی کند و بر آن اساس این مسیر را از تکانه‌های محیطی مصون دارد. بنابراین در پرتو مکتب اقتصاد مقاومتی نیازمند بازمهندسی ساختارهای اقتصادی و اداری و تجاری هستیم به گونه‌ای که این ساختارها به صورت منسجم و همراستا عمل کرده و هم‌افزایی به وجود آورند با در نظر گرفتن این مفهوم مبنایی باید مشخص کرد؛

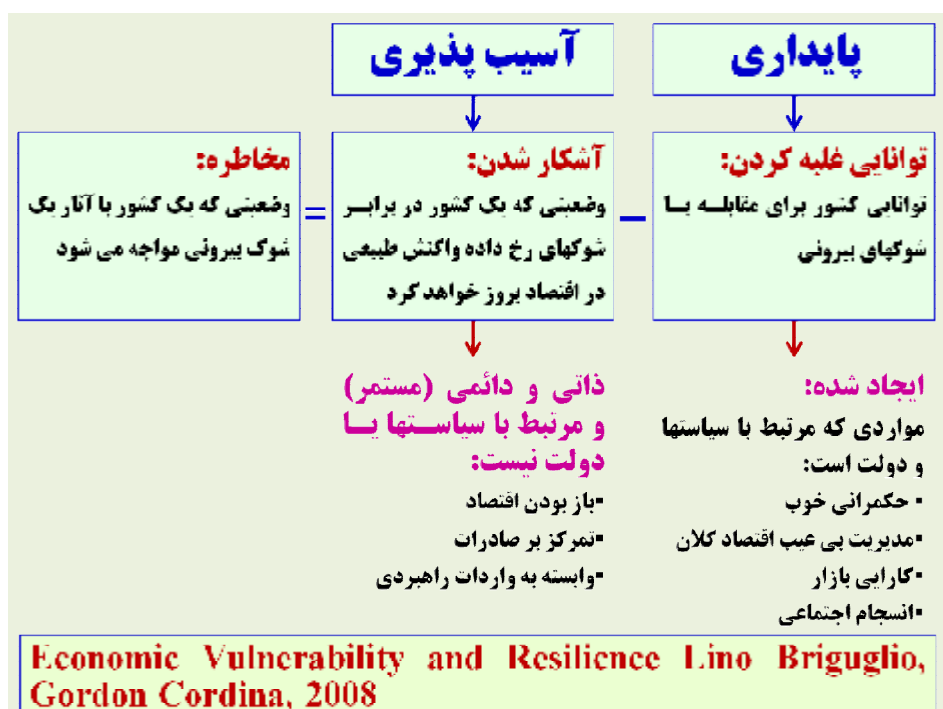
- نظام پولی و مالی متناسب با اقتصاد مقاومتی باید چه مشخصاتی داشته باشد؟
- نظام تجاری متناسب با اقتصاد مقاومتی چگونه باید باشد؟
- نظام اداری با چه مشخصاتی می‌تواند پشتیبان اقتصاد مقاومتی باشد؟
- فعالان عرصه اقتصاد در اقتصاد مقاومتی چه کسانی هستند و مردم در این میان چه نقشی دارند و برای ایفای نقش خود به چه نیاز دارند؟ در قالب چه الگوی نقش‌آفرینی مردم (و نه گروه خاص و تعداد محدود) تعریف شود؟
- نظام تبلیغی و فرهنگ‌ساز باید چه ارزش‌هایی را برای استقرار اقتصاد مقاومتی نهادینه سازد؟
- نسبت بین بخش واقعی و بخش مجازی (مالی و واسطه‌گری) چگونه باید باشد؟ کدامیک بایستی در خدمت و یا دنباله‌رو دیگری باشد؟

پاسخ سؤال 2 و 3

هر چند مروری بر ادبیات موضوع و تجارب جهانی نشان می‌دهد که مفهوم اقتصاد مقاومتی از جامعیتی برخوردار است که مفاهیم رایج در سطح جهان از آن جامعیت برخوردار نیستند ولیکن این بررسی نشان می‌دهد برخی کشورهای جهان تمایل دارند که اقتصاد داخلی خود را از نوسانات بین‌المللی مصون نمایند. بر همین اساس تلاش کرده‌اند با فراهم کردن چارچوبهای نظری ساختار حرکتی اقتصاد خود را به این سو ساماندهی نمایند. نگاه به مفاهیم نظری و مدل‌های مطرح در این زمینه نشان‌دهنده‌ی این رویکرد در برخی کشورهای توسعه یافته و نیز کشورهای نو صنعتی است به گونه‌ای که ابزارسازی برای سنجش مستمر توان تاب‌آوری اقتصادی برای آنها مهم است برای مثال اقتصاد تاب آور (Resilience Economy) را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

اقتصاد تاب آور اقتصادی است که در برابر شوکهای محیطی قدرت تاب آوری دارد این تاب آوری از طریق سیاستهایی ایجاد شده است تا اقتصاد آثار شوکها را پوشش دهد.

با توجه به شاخص های مدل که در شکل بعد ارائه شده است موقعیت کشورهای مختلف مشخص شده که در کدام ناحیه قرار دارند.



این مدل تأکید دارد ما در درون یک طیف که یک سوی آن پایداری و تاب‌آوری و سوی دیگر آن آسیب‌پذیری است قرار داریم و لذا حکومتها موظف هستند با سیاستهای خود حرکت به سمت

تاب‌آوری و ظرفیت شوک‌پذیری و دوری از آسیب‌پذیری را هدف‌گیری کنند و برای همین منظور شاخص‌هایی طراحی کرده‌اند.



بحث تاب‌آوری به حوزه اقتصاد محلی نیز کشیده شده است. برای مثال مؤسسه CLES

Center for Local Economic Strategies

در سال 2010 مطالعات وسیعی در این مورد داشت و شوک‌های منطقه‌ای را مورد بحث قرار داد و راه‌های تاب‌آوری را بررسی کرد. اتحادیه اروپا در سال 2012 مطالعه‌ای در خصوص نسبت بین پایداری در بخش‌های مختلف اقتصادی در کشورهای عضو اتحادیه اروپا با کل تاب‌آوری اقتصادی در اروپا انجام داده است که در آن به تفصیل وضعیت تاب‌آوری اقتصادی هر کشور نسبت به کل اتحادیه اروپا بررسی شده است. مؤسسه IPPR که یک مؤسسه مطالعات خط‌مشی‌گذاری عمومی است در سال 2014 مطالعه‌ای در خصوص تاب‌آوری در شمال انگلیس شامل نیوکاسل و منچستر انجام داده است و یا مفهوم دیگری که در جهان طرح شده است اقتصاد پایدار Sustainable Economy است.

در این خصوص نیز مقالات متعددی منتشر شده است، این موضوع با بحث توسعه پایدار متفاوت است. پایداری اقتصاد یا اقتصاد پایدار بیانگر ظرفیت و توانایی یک اقتصاد در استمرار و مداومت در

یک فعالیت یا یک فرایند شناخته شده است. در پایداری بحث اثربخشی و کارایی مستمر است و ابعاد اجتماعی و عدالتی در این گونه مباحث مطرح است هر چند که این واژگان کمتر به کار برده شده است و مقوله دیگری نیز اقتصاد منسجم Solidarity Economy است.

این مفهوم در سال 1937 توسط فیلیپ آلیز (Felipe Alaiz) در اسپانیا مطرح شد. بعدها این واژه در فرانسه سپس آمریکای شمالی به ویژه کالیفرنیا و در اروپا بسط داده شد. این مفهوم بیان کننده رویکرد اقتصاد اجتماعی (Social Economy) است.

مؤسسه مطالعات توسعه اجتماعی سازمان ملل در سال 2013 در تحقیقی تحت عنوان :

Towards an Epistemological Foundation for Social and Solidarity Economy

مدعی است سرمایه داری قرن بیستم به شکست انجامیده و در حال زمان و قرن اجتماعی است.

یونسکو نیز در مطالعه ای در سال 2002 تحت عنوان :

The Social and Solidarity Economy Towards an Alternative Globalisation

مطرح می کند که هدف شرکتهای اقتصادی اجتماعی (که رویکرد نوینی است) سودآوری صرف نیست بلکه به اعضای خود نیز متعهد هستند درون خود یک نظام تصمیم گیری دموکراتیک دارند و براساس اصول مشارکت همگانی، توانمندسازی و مسئولیت جمعی و فردی فعالیت می کنند.

این در حالی است که مفهوم اقتصاد مقاومتی و اهداف آن بسیار وسیع تر از مفاهیم و مدل های رایج در جهان است.

اقتصاد مقاومتی یک حرکت راهبردی، بلندمدت و مردم گرا است یعنی حرکتی است که اقتصاد را به یک امر نهادی در جمهوری اسلامی بدل می کند. ساخت جمهوری اسلامی یک ساخت اسلامی - مردمی است و اقتصاد هم باید اینگونه شود و از یک ساخت اسلامی - مردمی برخوردار گردد و اقتصاد مقاومتی در صدد رسیدن به این ساخت است. سیاستهای اقتصاد مقاومتی با همین رویکرد طراحی می شوند. بر همین اساس با استفاده از رویکرد اقتصاد مقاومتی که مبتنی بر بخش واقعی اقتصاد طراحی شده است می توان منابع موجود در کشور را به قابلیت های راهبردی تبدیل کرد و این همان تقویت ساخت مؤلفه اقتصاد و در نتیجه تقویت ساخت درونی قدرت است.

اگر مفهوم ساخت قدرت را مؤلفه‌های ایجادکننده قدرت بدانیم آنگاه بسته به اینکه این مؤلفه‌ها درون‌زا یا برون‌زا باشند ماهیت ساخت قدرت متفاوت می‌شود. ملاک درونی و بیرونی بودن یک مؤلفه میزان کنترل بر روی آن مؤلفه است. اگر کشوری مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده قدرت آن درون‌زا باشد به این معنا است که قدرت ذاتی آن کشور است و متأثر از تحولات پیرامونی قرار نمی‌گیرد. اما اگر مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده قدرت یک کشور برون‌زا باشد یعنی قدرت آن کشور وابسته به مؤلفه‌های بیرونی است. اقتصاد مقاومتی با محور قرار دادن درون‌زا کردن رشد اقتصادی، ساخت درونی قدرت را تقویت می‌کند که نتیجه این استحکام ساخت درونی قدرت، پایداری اقتصادی است یعنی روند پیشرفت اقتصادی از عدم اطمینان‌های محیطی مصون می‌شود.

پس اقتصاد مقاومتی یک رویکرد انفعالی و یا یک برنامه ریاضتی نیست بلکه رویکرد مبتنی بر پیشرفت است و جنبه‌های رشد و عدالت را توأم در نظر دارد.

اهداف اقتصاد مقاومتی

- برای اقتصاد مقاومتی در یک نگاه کلان چند هدف راهبردی می‌توان در نظر گرفت.
- مهمترین اهداف راهبردی اقتصاد مقاومتی عبارتند از:
- ✓ توجه به نقش اساسی آحاد مردم، کارآفرینان و تولیدکنندگان در عرصه اقتصاد
 - ✓ ایجاد عدالت بین تمامی فعالان و بازیگران عرصه اقتصاد اعم از صاحبان ایده، صاحبان سرمایه، سرمایه انسانی، ارائه دهندگان خدمات و ...
 - ✓ استفاده از ظرفیتهای داخلی توأم با توجه به بازارهای خارجی
 - ✓ تولید محور کردن اقتصاد و افزایش توجه و تمرکز به بخش واقعی اقتصاد
 - ✓ ایجاد پایداری در اقتصاد و تضمین رشد مستمر آن در بلندمدت
 - ✓ توجه به توسعه علم و فناوری و شرکتهای دانش بنیان در جهت تسهیل رشد جهشی تولیدمحوری، اشتغال هم‌زمان با ایجاد فرصت برای مشارکت آحاد کارآفرینان و جامعه
 - ✓ مدیریت مصرف و ارتقای بهره‌وری
 - ✓ خود اتکائی در تأمین نیازهای اساسی جامعه
 - ✓ کاهش اتکای بودجه به نفت
 - ✓ استفاده از ظرفیت مبادلات اقتصادی با تجدید آرایش و گسترش ارتباطات تجاری

✓ ثبات اقتصادی و مبارزه با فساد و ایجاد امنیت اقتصادی

✓ واکنش هوشمند و فعال و سریع به تغییرات محیطی (مانند تحریم و...)

ویژگیهای اقتصاد مقاومتی

این ویژگیها یک نظام واره هستند و با هم تعامل دارند و در تعامل با هم یک مکتب و رویکرد جدید تولید می کنند.

1- ویژگیهای جهادی، حماسی

اقتصاد مقاومتی یک رویکرد حماسی و جهادی دارد. یعنی نیازمند انگیزانندهای حماسی است و نیازمند همت مضاعف و کار مضاعف است.

وقتی انسان برای اعلاى کلمه حق، اعلاى کلمه اسلام، عزت بخشیدن به امت اسلامی و ملت مؤمن و مسلمان ایران تلاش می کند این جهاد می شود، جهاد فی سبیل الله، آن وقت در این تلاش، برکات و عظمت و شأن جهاد فی سبیل الله وجود دارد. (بیانات مقام معظم رهبری در جمع مردم و کارکنان صنعت نفت عسلویه 90/1/8) حرکت جهادی از منظر مقام معظم رهبری ویژگیهای دیگری هم دارد که به تناسب بحث به برخی از آنها اشاره می شود.

مداومت، مقاومت، همت مضاعف، آرمان گرایی و واقع بینی لازمه روحیه جهادی است.

اقتصاد مقاومتی باید همین گونه باشد. همانگونه که گفته شد باید مداوم و بلندمدت و آرمانگرایانه باشد.

2- ویژگیهای مولّد

اقتصاد مقاومتی مولّد است.

یک رکن اقتصاد مقاومتی توجه به تولید ملی؛ صنعت و کشاورزی است. (جهاد اقتصادی، بیانات مقام معظم رهبری، ص 71) اقتصاد مقاومتی در صدد توانمندسازی آحاد مردم، کارآفرینان و تولیدکنندگان برای نقش آفرینی واقعی در اقتصاد است و این همان بخش درونزای اقتصاد ما است.

3- ویژگی انعطاف پذیر

اقتصاد مقاومتی انعطاف پذیر است یعنی توانایی واکنش سریع و هوشمندانه به تغییرات محیطی را دارد و دارای پویایی لازم است و همین پویایی برای سیستم توانایی واکنش هوشمندانه و مبتکرانه

را ایجاد می کند یعنی سیستم اقتصادی را از عدم اطمینان‌های محیطی مصون می‌سازد این یعنی همان بعد پایداری اقتصادی.

4- ویژگی فرصت‌ساز

اقتصاد مقاومتی فرصت‌ساز است. اقتصاد مقاومتی با توجه توامان به ابعاد درون‌زای اقتصاد و ابعاد بیرونی اقتصاد فرصت‌سازی می‌کند فرصت شرایط محیطی است که با استفاده از آن رسیدن به اهداف تسریع و تسهیل می‌شود. شرط لازم برای استفاده از فرصت، برخورداری از توان درونی است. با تجدید آرایش مبادلات خارجی و متنوع کردن روابط تجاری و همچنین تقویت اقتصاد دانش‌بنیان و فعال کردن ظرفیتهای بومی مناطق مختلف کشور اقتصاد مقاومتی بر فرصت‌سازی تأکید ویژه‌ای دارد.

5- ویژگی عدالت بنیانی:

ویژگی عدالت بنیانی یعنی اینکه در اقتصاد مقاومتی مشارکت آحاد جامعه در فعالیت‌های اقتصادی را به منظور ارتقاء نه تنها درآمد اقشار کم درآمد و یا متوسط بلکه نقش آنها در امور اقتصادی با تسهیل همکاریهای جمعی و ارتقاء تعاملات اجتماعی تأکید می‌کند یعنی اقتصاد مقاومتی در جمهوری اسلامی ایران مفهوم پیشرفت «رشد به همراه عدالت» است و این مفهوم اقتصاد مقاومتی را متمایز از اقتصاد مبتنی بر لیبرالیسم و اقتصاد متعارف می‌نماید.

پاسخ سؤال 6

نگاه به اصل 43 قانون اساسی به ویژه بند 2 آن نشان می‌دهد یکی از ضوابطی که اقتصاد جمهوری اسلامی باید بر آن استوار شود تأمین شرایط و امکانات کار برای همه است و همچنین باید وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند قرار گیرد. نه تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروههای خاص مطلوب اقتصاد اسلامی است و نه تبدیل شدن دولت به یک کارفرمای بزرگ مطلق موردنظر است بلکه نظر این است که اقتصاد مردمی باشد این با مفهوم کمونیستی مالکیت عمومی و... تفاوت اساسی دارد. مردم به معنای واقعی کلمه باید نقش‌آفرین اصلی در عرصه اقتصاد باشند و این همان معنای مردمی کردن اقتصاد همان گونه در نظام‌سازی سیاسی با حضور حداکثری و دین‌مدارانه مردم، مردم‌سالاری دینی محقق شده است در نظام‌سازی اقتصادی هم

مبتنی بر حضور حداکثری مردم اقتصاد مقاومتی محقق خواهد شد همانگونه که در حوزه سیاسی با حضور واقعی و فعال مردم ساخت سیاسی نظام بتن آرمه شده و به پایداری رسیده است به گونه‌ای که فتنه‌سازیه‌های بین‌المللی هم نمی‌تواند به آن آسیب بزند در حوزه اقتصادی هم با حضور واقعی و فعال مردم ساخت اقتصادی از آنچنان استحکامی برخوردار شود که نوسانات بین‌المللی و عدم اطمینان‌های محیطی، حرکت رو به جلوی آن را مخدوش نسازد بنابراین اقتصاد مقاومتی همان مردمی کردن اقتصاد است یعنی حضور واقعی و جدی مردم در عرصه اقتصاد و نقش دولت تسهیل‌گر این حضور است. آنگاه ساخت درونی قدرت استحکام می‌یابد و عدم اطمینان‌های محیطی بر آن بی‌اثر می‌شود. بطور مثال جهت ارتقاء نقش و درآمد مردم بویژه طبقات کم درآمد و متوسط و تسهیل همکاری‌های جمعی با بهره‌گیری از گسترش شرکت‌های کوچک و متوسط و تعاونی‌های گوناگون و روان‌سازی تأمین مالی خرد و توسعه صندوقهای جسورانه و خطرپذیر و یا صندوقهای وقفی این مقوله را تسریع و تسهیل نمود.

پاسخ سؤال 7

از سال 1364 تا پایان جنگ تحمیلی مسئولیت اینجانب وزیر امور اقتصادی و دارائی بود. در اقتصاد جنگ تحمیلی ما به جای این که «انفعالی» عمل کنیم، رویکرد «فعال» را اتخاذ کردیم. گفتیم اگر منابع نداریم، باید بهینه مصرف کنیم. بر این اساس تأمین نیازهای اساسی مردم در اولویت قرار گرفت و تولید داخلی را با تمام ظرفیت فعال کردیم، مابقی نیازمان را هم از خارج وارد کردیم. برای تولیدکنندگان داخلی، سیاست‌های تشویقی در نظر گرفتیم که به اشتغال‌زایی و خودکفایی در تولید برخی کالاها منجر شد. سیاست مهم دیگر ما در حوزه پولی بود. برای اولین بار تسهیلات بانکی را نیز به سمت تولید هدایت کردیم.

با توجه به کاهش شدید مقادیر صادرات نفت در اثر جنگ و نیز جنگ قیمت نفت (کاهش قیمت نفت تا سطح هر بشکه 4/5 دلار در سال 1365 را شاهد بودیم و کاهش فعلی قیمت نفت امر تازه‌ای در اقتصاد ایران نیست) طبیعتاً تأثیر فاحش خود را درآمدهای ارزی بویژه با توجه به سیاست قاطع ما عدم استقراض از خارج گذاشت و به تبع آن تأثیر خود را روی درآمدهای ریالی حاصل از صادرات

نفت در درآمدهای بودجه عمومی دولت گذاشت و کسری ریالی بودجه را افزایش و عملاً سیاست مالی انبساطی به اقتصاد ملی تحمیل شد و از طرفی برای رونق تولید از منبع مهم دیگر یعنی منابع بانکی قادر نبودیم بصورت انبساطی عمل کنیم زیرا انبساط مالی اگر همراه انبساط پولی می‌شد تورم افزایش شدیدی پیدا می‌کرد. مع‌ذالک در عین حفظ سیاست انقباضی پولی در ترکیب و ساخت تسهیلات بانکی به نفع بخش تولید سیاست‌گذاری قاطع و روشنی انجام دادیم که کاملاً موفق بود و حتی بسیاری از زیرساخت‌ها نظیر اتوبانها مثل اتوبان قزوین - زنجان، سد ساری، پتروشیمی اراک، کارخانجات متعدد سیمان، کارخانجات گوناگون داروئی و طیف وسیعی از کارخانجات مهم با تغییر نگرش در راستای بانکداری بدون ربا و برخلاف نگاه محدود نئوکلاسیکی به سیستم بانکی صرفاً بعنوان تأمین‌کننده نیازهای بازرگانی و مالی و حداکثر تأمین سرمایه در گردش، تحول بزرگی در اقتصاد توسط سیستم بانکی در حوزه مقاوم‌سازی اقتصاد جنگ بوجود آمد.

در بین سال‌های 64 تا 67 در حالی که رشد بخش بازرگانی و غیر تولیدی از 15٪ درصد به زیر 1٪ رسید، رشد تسهیلات بانکی بخش‌های تولیدی مانند صنعت، کشاورزی و ساختمان تا 24/9٪ درصد افزایش یافت. بنابراین وضع اشتغال هم بهبود پیدا کرد. برای دفاع از تولید نیز تصمیم گرفتیم با اتخاذ سیاست فعال و هوشمند تجاری در نظام تعرفه‌ها و برقراری سود بازرگانی متناسب و نیز سوبسیدهای صادراتی و نیز سیاست ارزی مبنی بر 700 درصد جایزه ریالی به دلارهای صادراتی، واردات را گران و صادرات را ارزان کنیم. این سیاست‌های تولیدی، پولی، تجاری و ارزی جواب داد و تولیدات در مقایسه با اقتصادهای جنگ به حیات خود ادامه دادند همان سال اول صادرات ما دوبرابر شد. این در حالی بود که درآمد سالانه ارزی ما در اوج سال‌های جنگ یعنی در سال 65 به 5/7 میلیارد دلار محدود شد!

در ابتدای انقلاب اسلامی و در زمانی که تحریم‌ها علیه ما شدت گرفته بود، یکی از راهبردهای ما برای رهایی از تحریم‌ها و محدودیت نقل و انتقالات پولی، انجام مذاکرات با کمپانی‌های دیگر کشورها و ایجاد حساب‌های تهاتری مبادله‌ی کالا با کالا بین دو کمپانی شرکت ملی نفت و سایر شرکتها بود. مثلاً ما در آن زمان با شرکت‌های نظیر وست‌آلپاین اتریش، اینتربراس برزیل و ماروبنی ژاپن حساب تهاتری برقرار کردیم و کالاها را بدون تبادل ارز و در مقابل صادرات نفت می‌خریدیم و علاوه بر آن

روابط دوجانبه و چندجانبه پولی با کشورهای مختلف را برقرار و صادرات نفت و واردات کالاها را تسهیل می‌کردیم. متأسفانه پس از جنگ تحت تأثیر توصیه‌های صندوق بین‌المللی پول همه این روابط را بانک مرکزی تعطیل کرد و در شرایطی که در سالهای اخیر به دلیل جنگ ارزی و مشکلات دلار و یورو اقتصادهای مهم جهانی نظیر ژاپن - چین - کره جنوبی - روسیه و هند و کشورهای نوصنتی مبادلات تهاتری انجام می‌دهند ما هنوز تجربیات قبلی خودمان را در حوزه مقابله با تحریم هم احیا نمی‌کنیم.

بنا بر این برنامه رونق اقتصادی از طریق رشد تولید و حمایت از فعالان اقتصادی و این‌که سیاست‌های پولی تولیدمحور را پیگیری و اجرا کنیم، در دستور کار قرار گرفت. در مورد مالیات‌ها رویکرد ایجاد اعتماد متقابل مطرح و بر همین اساس این‌جانب طرح مالیاتی فعال کردن اتحادیه‌های صنفی در امر مالیات مشاغل را اجرا کردم. این طرح مبتنی بر جامع‌نگری و در نظر گرفتن منافع فعالان اقتصادی به همراه منافع جامعه و نظام با هم بود. ما بر این اعتقاد که در شرایط بحران نباید کاری کرد که تورم بالا برود. بنا بر این با انواع سیاست‌های اقتصادی طرف عرضه، رشد تولید را هدف گرفتیم برای بهبود کسری تراز پرداختها استراتژی ما استقراض از خارج و وابسته کردن کشور نبود بلکه! سیاست‌های تخصیص منابع ارزی در الگوئی با طبقه‌بندی کالاهای اساسی، نیازهای دفاعی، نیاز دستگاههای اجرائی، کالاهای ضروری حساس، نیاز بخش بهداشت و درمان، نیاز صنوف تولیدی، نیازهای بخش خدمات یعنی هم به صورت دستگاهی و هم به صورت بخشی و هم طرح‌های مشخص، تخصیص منابع ارزی بسیار محدود با حوصله فراوان در کمیته تخصیص ارز تدبیر می‌شد و از مصارف غیرضروری کاملاً اجتناب می‌شد. در حوزه مدیریتی معتقد بودیم بایستی سبک مدیریت مشخصی داشت و مدیریت سنتی سلسله مراتبی برای یک شرایط پویا و پرفشار و خیز جواب نمی‌دهد، بلکه ضروری است که این کار با مشارکت فعال مردم و با رضایت آنان اجرا شود. مثلاً همین کار بی‌سابقه‌ای که در حوزه مالیاتی انجام گرفت، واگذاری تشخیص و ارزیابی مالیات‌ها به اتحادیه‌های صنفی بود. اتحادیه‌ها و صنوف در آغاز این طرح باور نمی‌کردند که دولت به همین راحتی با آنها همکاری کند. همین سیاست باعث شد که مالیات‌های دریافتی نه‌تنها کم نشود، بلکه افزایش پیدا کند. تنها اتفاقی که افتاد، این بود که آنها ما را بیشتر درک کردند و ما عادت کردیم که با هم در یک قایق بنشینیم. یعنی ما آنها و مشکلات آنها را درک کنیم و آنها هم منافع ملی را ملحوظ نمایند.

نمونه‌ی موفقیت آمیز دیگر این رویکرد، خودکفایی کشور در تولید لبنیات بود که پس از جنگ تحمیلی با تلاش جهادسازندگی اجرا شد. تا پیش از آن ما همیشه واردکننده‌ی لبنیات بودیم و سالانه فقط 45 میلیون دلار پنیر در حلبی‌های بزرگ از بلغارستان و دانمارک وارد می‌کردیم. تا این که شورای لبنیات کشور با حضور 30 نفر از فعالان بخش خصوصی، تعاونی، دولتی و نهادهای زارعان، علفه، دامداران و صاحبان صنایع تبدیلی همه‌ی فعالان فرایند زنجیره‌ی تولید لبنیات تشکیل دادیم. سازمان‌های حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان، برنامه و بودجه و وزارت بازرگانی، اداره‌ی کل مقررات و صادرات و واردات و سایر وزارتخانه‌های ذیربط نیز در این مسأله با هم یکدل شدند تا به جای واردات، خودمان لبنیات را تولید کنیم. دانمارکی‌ها خیلی تلاش کردند ما را متقاعد کنند که خودمان دست به تولید پنیر نزنیم، اما ما قبول نکردیم و امروز بحمدالله لبنیات ایران در سطح منطقه و جهان خواهان دارد. امروز نیز ما هر اندازه که بتوانیم از تولیدکننده‌ها حمایت کنیم، صادراتمان رشد بیشتری خواهد داشت؛ البته با برنامه‌ریزی جامع، اراده‌ی استوار و کار و تلاش خستگی‌ناپذیر. البته الزاماتی دارد که دولت باید به آن پایبند باشد. مهمترین الزام آن عمل کردن دولت به تعهدات خود در قبال بخش تولید است. یعنی اگر وعده‌ای می‌دهد یا کاری را تعهد می‌کند، واقعاً به آن عمل کند. مثلاً با حمایت‌های تعرفه‌ای و نیز ما تعهد کرده بودیم که ارز مواد اولیه را به تولیدکننده برسانیم و واقعاً این کار را هر چند به صورت محدود به موقع انجام می‌دادیم. رفتار صادقانه و منصفانه به ایجاد اعتماد می‌انجامد. توان هماهنگی بالا، یعنی رویکرد نهادگرایانه در تعامل بین بخش‌های مختلف، رمز و راز موفقیت است که به رشد جهشی در تولید منجر می‌شود. اما اگر بخش‌ها دور از هم به تصمیم‌گیری بپردازند و مسئولین وزارتخانه‌های ذیربط گوش شنوایی برای شنیدن مشکلات و محدودیت‌های تولیدکنندگان نداشته باشند و به آنها توجهی نکنند، تولید هم رشد چندانی نخواهد کرد. تصور کنید اگر بجای حمایت از تأسیس نیروها، سدها و کارخانجات سیمان و برخی کارخانجات داروئی توسط مهندسین و در داخل کشور، نیروگاه‌ها و... بصورت کلید در دست TURN KEY در داخل تخصیص ارز می‌دادیم، این رشد عظیم صنعتی در رشته‌های گوناگون بوجود می‌آمد با روحیه ژله‌ای نمی‌شود تغییرات کلیدی در عرصه تولید، خدمات و بطور کلی اقتصاد بوجود آورد ما گوشمان به نقزنهای واردات پیشه بدهکار نبود و توصیه‌های فراماسونر معروف تقی‌زاده که می‌گفت اگر ایران بخواهد به دول راقیه (بخوانید، توسعه یافته) بپیوندد بایستی دروازه‌های کشور را به روی کالاهای خارجی کاملاً باز کنیم، خائنه می‌دانستیم و با توجه به اینکه مسئولیت رئیس کمیته تخصیص ارز را

داشتم یا جلسات متعدد و پی در پی سعی در تخصیص بهینه منابع با توجه به امکانات و بدون قرض کردن از خارج داشتیم منابع ارزی به شدت محدود به 4/5 دلار هر بشکه نفت رسید و کل درآمد ارزی در سالهای 65، 66 و 67 به 5/7 میلیارد دلار 7/4 و 8/1 محدود شد! معتقدم مشکل اقتصاد ایران کمبود منابع نیست بلکه تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری و مدیریت اجرائی نیرومند و پراکنجه و جهادی و سایر عوامل است اتفاقاً تاریخ اقتصاد ایران و سایر کشورهای نفتی جهان ازدیاد منابع ارزی اقتصاد را دچار تسامح محیطی و نحوست یا نفرین طبیعت می‌نماید و به صورت زیان‌آور به برنامه‌ریزی عالمانه آسیب می‌رساند و مشکلات ساختاری را تشدید می‌کند و اتفاقاً اجتناب از واردات بالا به محصولات تولیدی ساخت داخل با توجه به اوضاع اقتصادی ایران در دهه‌ی اول انقلاب و همزمانی آن با دفاع مقدس، باعث شد تا ما بتوانیم از چنین شرایطی موفق عبور کنیم. مهمترین آن عوامل به نظر من «خودباوری ملی» و «اتکا به نفس» مهمترین این عوامل بودند که هر دو از برکات آموزه‌های انقلاب اسلامی و حضرت امام رحمه‌الله‌علیه بودند. خودباوری ملی ملهم از ایمان امام و امت بود که باعث شد مردم و مسئولین و متخصصان برای هر مشکلی در هر حوزه‌ای به نحوی چاره‌جویی کنند. مثل کارکردهای جهاد دانشگاهی و یا جهاد خودکفائی در نیروهای مسلح در این مورد می‌توان صدها مثال و نمونه‌ی خرد و کلان آورد که من به یک نمونه‌ی آن اشاره می‌کنم. در زمان جنگ برای عبور از ارون‌درود خروشان که غیرممکن به نظر می‌آمد، نیروهای مهندسی ستاد پشتیبانی جبهه و جنگ جهادسازندگی با ابتکار و نوآوری، لوله‌های بلااستفاده‌ی شرکت نفت در خوزستان را در حجم عظیم زیر آب به هم جوش دادند و تبدیل به پل بر روی رودخانه‌ی ارون‌درود کردند، به شیوه‌ای که آب هر چند با دبی بالا از درون لوله‌ها عبور می‌کرد. با ساخت این پل تانک و تجهیزات و نیروهای ما از ارون‌درود عبور کردند و به فاو رسیدند. این پل تنها یک نمونه از اقداماتی بود که با حداقل امکانات و با فکر و روحیه‌ی خودباوری و اتکا به نفس ساختند.

این همه پیشرفت و خودباوری هرگز در شرایط عادی و بدون فشار و تحریم محقق نمی‌شد و لذا حتی تجربه نشان داده آن جایی که آنها به قول خودشان خواسته‌اند به کشورها امتیاز بدهند و مثلاً به کمپانی‌های خودشان اعتبار داده‌اند تا به ایران صادرات انجام دهد، به اقتصاد ما آسیب زده‌اند. اصلاً در ادبیات تجارت جهانی، واردات امر پسندیده‌ای نیست. خود WTO که آن را در ابتدا کلوپ

کشورهای ثروتمند می‌نامیدند، به این دلیل تشکیل شد که صادرات کشورهای توسعه‌یافته را تسهیل کند.

ملاحظه می‌کنید علی‌رغم جنگ بی‌امان و هزینه‌های فراوان آن اقتصاد جنگ ما نه تنها از منابع بین‌المللی استفاده نکرده و یک کشور مقروض بعد از جنگ نداشتیم بلکه تمامی بدهی‌های رژیم منحط گذشته را هم در زمان جنگ بازپرداخت کردیم. شاخص‌ها نشان می‌دهد علی‌رغم همه محدودیت‌ها دسترسی مردم به حداقل معیشت خوراک، پوشاک، تحصیل بهبود داشته و برخلاف تمامی جنگها در حوزه اقتصادی معیشت قابل تحمل بوده و ضریب جینی به شواهد آمارها بهبود پیدا کرد و بنیاد کارهای زیربنائی مهمی گذارده شد و اتفاقاً اندازه دولت به نسبت تاریخ صد ساله پیدایش نفت محدود باقی ماند زیرا به این مسئله توجه ویژه معمول شد و این شاخص‌ها خود به خودی دستاورد نداشت.

به نظر می‌رسد اولاً در بُعد نظری باید چهارچوب «پیشرفت و با رشد اقتصادی به همراه عدالت» را در دستور کار قرار دهیم. یعنی رشد جهشی و بقای رشد باید مبتنی بر کاهش شکاف درآمدی باشد و نه مطابق نظریه‌های لیبرالی که افزایش شکاف درآمد در جامعه را موجب انباشت بیشتر درآمد در اقل مرفه و افزایش پس‌انداز آنان و افزایش سرمایه‌گذاری و رشد می‌دانند و بنابراین بی‌عدالتی را توجیه می‌کنند.

وضعیت زیرساخت‌های امروز، بنادر فعال ما، خطوط مواصلاتی جاده‌ای و راه‌آهن، تعداد متخصصان و فارغ‌التحصیلان، نیروهای ماهر و کارآفرین، گستردگی نظام آموزش عالی، فراهم شدن زمینه‌های قانونی برای فعالیت اقتصادی مانند سیاست‌های کلی اصل 44 قانون اساسی، همه و همه شرایطی را فراهم آورده که کشور در آستانه‌ی یک جهش اقتصادی قرار دارد.

مسأله‌ی بعدی در رویکرد جمهوری اسلامی، ایستادگی و مقاومت و رها نکردن این سنگر است. در وضعیت نزاع ما و آمریکا کسی برنده است که بیشتر مقاومت کند. درست مانند بازی بوکس که هر کسی بیشتر مقاومت کند برنده می‌شود، اگرچه ممکن است ضربات حریف بیشتر باشد. «محمدعلی کلی» و «جورج فورمن» یک بازی تاریخی با هم داشتند. کلی تا حدودی میانسال شده بود، اما حریفش فورمن پرقدرت و پرنرژی بود. فورمن آن قدر بر سر و صورت کلی ضربه زد تا این که خسته

شد. همه فکر می‌کردند که کلی شکست می‌خورد، اما در راند هفتم با یک آپرکات جانانه به زیر چانه‌ی فورمن او را ناکاوت کرد و بازی را برد. یعنی ثمره‌ی ایستادگی و پایداری و صبر، پیروزی شیرین است.

نکته‌ی دیگر این‌که ما در تعریف تعاملات خود با بازارهای جهانی باید بسیار هوشمندانه عمل کنیم. مثلاً در بحث سرمایه‌گذاری خارجی، اگر سرمایه‌گذار فناوری روز را وارد کشور کند و سپس انتقال فناوری انجام شود، این می‌تواند مطلوب ما باشد، اما قطعاً این خطرناک است که سرمایه‌گذار خارجی به صورت غیر مستقیم وارد بازار سرمایه‌ی ما بشود و سهام خرید و فروش کند و سفته‌بازی کند. همین اتفاق و همین نوع سرمایه‌گذاری خارجی در بازار سرمایه بود که در آسیای جنوب شرقی بحران مالی پدید آورد و به قول ماهاتیر محمد، ببرهای آسیا را ظرف دو هفته به گربه‌های آسیا تبدیل کرد.

محور بعدی این‌که ما برای توسعه‌ی کشورمان احتیاج داریم که موضوع رشد صادرات را که در بطن خود افزایش اشتغال را نیز میسر می‌کند، طی هدف‌گذاری و برنامه‌ریزی مشخصی با توجه به برتری نسبی در حوزه‌های گوناگون اقتصادی پیش ببریم. همچنین ما باید مراقب سیاست‌گذاری‌های صندوق بین‌المللی پول باشیم. جوزف استیگلیتز که برنده‌ی جایزه‌ی نوبل اقتصاد در سال 2001 است و هفت سال قائم‌مقام بانک جهانی بوده و امروز از منتقدین جدی سیاست‌های صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی است، می‌گوید: کشورهایی که حرف‌های صندوق را گوش کردند، همگی ناموفق بوده‌اند، اما چینی‌ها که به سیاست‌های صندوق توجه نکردند، رشد مداوم اقتصادی بی‌سابقه‌ای را تجربه کرده‌اند.

مسأله‌ی بعدی استفاده‌ی اقتصادی از ظرفیت همسایگان است. وقتی پیوندهای عمیق اقتصادی بین دو کشور همسایه برقرار شود، همین پیوندها موجب پایداری روابط سیاسی و استحکام امنیت ملی می‌شود.

در بحث مدیریت واردات هم ضروری است که ما نظام تعرفه‌های خود را بسیار هوشمندانه تنظیم کنیم. به گونه‌ای که نه تنها تولیدکننده‌ی داخلی از تولید مأیوس نشود، بلکه به آن رغبت هم پیدا کند. این‌گونه نباشد که درست در زمانی که تولیدات داخلی در کشور توزیع می‌شود، همان کالا از

خارج وارد شود تا با آسیب به تولیدکننده وی را از مدیران تولید دور کنند. واردات بی‌رویه در هر صورت به اقتصاد کشور آسیب می‌زند. نظام تعرفه‌ای و نظام اقتصادی ما باید حامی صنایع «نوزاد» باشد. و گرنه این صنایع در مواجهه با «دامپینگ»³ کمپانی‌های خارجی زمین خواهند خورد و نابود می‌شوند.

حتی در WTO هم حمایت از این صنایع بلاشکال است. این اشتباه محض است که ما قبل از ورود به WTO تعرفه‌ها را به شدت کاهش دهیم. کشورهای دیگر هم این کار را نکرده‌اند؛ زیرا مانند این است که گوسفندی خودش را برای خورده شدن توسط گرگ‌ها پروار کند! کشورهای دیگر هم قبل از ورود به WTO تعرفه‌های خود را بالا بردند و بعد که وارد سازمان تجارت جهانی شدند، در جلسات چانه‌زنی تعرفه‌ها را تازه به حالت اول بازگرداندند و به جای گوسفند شدن نقش گرگ را برای دیگران بازی کردند.

ما باید توجه کنیم که هر زمانی ذخایر اقتصادی نداشتیم، دشمن به ما طمع کرده و خواسته با تحریم فشار بیاورد تا از منافع خود کوتاه بیاییم. اگر ما از یک پشتوانه‌ی اقتصادی قوی برخوردار باشیم، یأس و ناامیدی در دشمن ایجاد می‌شود و باعث می‌شود راهبرد «فشار» او به راهبرد «سازگارسازی» تغییر کند؛ همان اتفاقی که در مورد چین افتاد. نظام سلطه وقتی دید نمی‌تواند در برابر چین ایستادگی کند، به بهانه‌ی دیپلماسی پینگ‌پونگ رویکرد خود را به سازگارسازی تغییر داد. جایگاه کنونی اقتصاد ما در دنیا و مسیر پیش روی آن به گونه‌ای است که به نظر من جمهوری اسلامی با توجه به تمامی مشکلاتی که با آن مواجه بوده، تاکنون توسعه‌ی خوبی پیدا کرده است. ما از نظر علمی در رتبه‌ی هفده جهانی و اول منطقه قرار داریم. از نظر سرعت رشد علمی در جهان نیز رتبه‌ی اول را داریم. از نظر اقتصادی هفدهمین قدرت اقتصادی جهان با 930 میلیارد دلار با روش برابری قدرت خرید و دارای سرانه‌ی 12599 دلار هستیم. در حوزه‌ی صنعت و در صنایع پیشرفته مانند صنایع هسته‌ای، هوافضا و صنایع مادر و صنایع سبک و تبدیلی پیشرفت محسوسی داشتیم. میزان تولید محصولات کشاورزی ما افزایش پیدا کرده و به 102 میلیون تن در سال رسیده است. به همراه کره‌ی جنوبی چهارمین قدرت تولیدکننده‌ی سیمان در دنیا و سومین قدرت سدساز و نیروگاه‌ساز در جهان شده‌ایم.

با این وضع پیمانکاران ما که نیروی متخصص کافی هم دارند، به راحتی و با اندک پشتیبانی مالی دولت می‌توانند نه تنها در رقابت‌ها و مناقصه‌های منطقه‌ای بلکه در رقابت‌های جهانی حرف برای گفتن داشته باشند. اگر یک یا چند بانک فقط به کارهای بسیط و ساده‌ی بانکی بسنده نکنند و به منافع ملی و مشتریان خود نیز توجه داشته باشند و عهده‌دار تأمین مالی چنین پروژه‌هایی شوند، شاید هیچ پروژه‌ای نباشد که ما نتوانیم آن را به انجام برسانیم. و این وضعیت معلول سیاست‌هایی که در گذشته بویژه در زمان جنگ مغفول شده و تدابیری که در راستای اقتصاد مقاومتی انجام می‌دهیم آینده را خواهد ساخت.

به‌ویژه امروز که نقش صهیونسیسم بین‌المللی در حاکمیت کشورهای غربی و برخی کشورهای پیرو آنها که سردمدار مبارزه با جمهوری اسلامی هستند، بیش از گذشته آشکار شده، ارزش و درخشش جمهوری اسلامی نیز نمایان‌تر شده است. یعنی هر چه می‌گذرد، مسائل منطقه و رویکرد جوانان منطقه بیشتر به سمت آرمان‌های جمهوری اسلامی پیش می‌رود. بیداری اسلامی در منطقه و ساقط شدن حکومت‌های طرفدار سازش با اسرائیل، شاهد خوبی بر این مدعا است که زمینه برای فعالیت اقتصادی واحدهای تولید ایرانی و کار مشترک آنها در کشورهای دیگر به‌ویژه کشورهای اسلامی فراهم آمده تا هم باعث پیشتازی اقتصاد ما و هم نیرومندسازی کشورهای در حال رشد باشد.